

تحلیل عاملی موانع موجود در زمینه کارآفرینی دانشجویان کشاورزی از دیدگاه دانشجویان سال آخر کشاورزی

(مطالعه ی موردی: دانشکده کشاورزی جیرفت، دانشگاه شهید باهنر کرمان)

امید شریفی، حمید رضا علیزاده، امید علی اسماعیلی پور، احمد سلیمانی :
اعضای هیات علمی دانشگاه شهید باهنر کرمان، دانشکده کشاورزی جیرفت

چکیده:

بررسی روند روبه رشد کشورهای توسعه یافته نشان دهنده آن است که کارآفرینان در رشد اقتصادی و اشتغال زایی این کشورها نقش فراوانی داشته اند. یکی از کارکردهای اصلی آموزش در سطوح مختلف بویژه آموزش عالی تربیت فارغ التحصیلان خلاق و کارآفرین است. نگاهی اجمالی به کارایی فارغ التحصیلان رشته های کشاورزی و توانمندیهای عملی آنها برای ایجاد تحول در بخش کشاورزی نشان دهنده این واقعیت ناخوشایند است که آموزش عالی کشاورزی در رسیدن به این مهم از کارایی چندانی برخوردار نبوده است. در این پژوهش موانع موجود در کارآفرینی دانشجویان کشاورزی بررسی شده است. پس از بررسی مفهومی و نظری، با استفاده از روش تحقیق پیمایشی، پرسشنامه ای بر پایه مرور ادبیات تحقیق، اهداف مورد نظر و دیدگاههای صاحب نظران برای گردآوری داده های میدانی تهیه و تدوین شد. پس از روایی و پایایی، پرسشنامه ها از سوی یک نمونه برگزیده (۱۳۶ نفر) بر اساس روش نمونه گیری تصادفی تکمیل شد. پس از گردآوری داده ها از نرم افزار آماری SPSS برای تحلیل داده ها استفاده شد. نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل عاملی به طبقه بندی موانع موجود در زمینه کارآفرینی از دیدگاه دانشجویان نشان دهنده چهار عامل اساسی میباشد که حدود ۶۶ درصد از واریانس میان عوامل راتبیین می نمایند. این عوامل به ترتیب اهمیت (ساختاری، زیربنایی)، (آموزشی)، (مشوقها) و (انگیزش) را شامل میگرددیند. بر مبنای عوامل استخراج شده پیشنهاد های مقتضی ارائه شده است.

کلمات کلیدی: کارآفرینی، دانشجو، دانشجویان کشاورزی، انگیزش، آموزش، مشوقها

مقدمه:

طی یک دهه ی اخیر، پذیرش دانشجو بدون توجه به ظرفیت اشتغال زایی جامعه از سوی نظام آموزش عالی هم در بخش دولتی و هم در بخش غیر دولتی آن (دانشگاه آزاد) همراه با کاهش توان ظرفیت سازی اشتغال در بخش کشاورزی و تورم نیروی انسانی در بخش خدمات و استخدام دولتی، موجب افزایش نرخ بیکاری بسیاری از فارغ التحصیلان دانشگاه ها شده است. متأسفانه در مورد دانش آموختگان بخش کشاورزی وضعیت بیکاری حادتر است این مساله تا حدی به ماهیت جایگاه کشاورزی در کشور مرتبط است. چرا که بخش کشاورزی نسبت به بخش صنعت و خدمات، بیشتر تحت مالکیت و اداره مردم می باشد. بنابراین از دانش آموختگان این رشته نیز انتظار می رود که جذب فعالیتهای خود اشتغالی کشاورزی شوند و این مساله نیازمند توسعه روحیه کارآفرینی در بین ایشان می باشد. تغییر در وضعیت و شرایط کشاورزی در سطح بین المللی، مدیران و صاحبان صنایع و شرکت های فعال در زمینه کشاورزی را ملزم می کند تا به منظور دوام، رقابت و رشد در بازار به طریقه متفاوت تری نسبت به گذشته فکر و عمل کنند. در حقیقت کشاورزان امروزی و فارغ التحصیلان رشته های کشاورزی بایستی دیدگاه، نگرش و نقش خود را از یک تولید کننده صرف کشاورزی به یک کارآفرین کشاورزی تغییر دهند. تغییرات متعددی که در طول دهه گذشته در بخش کشاورزی صورت پذیرفته است، نظام آموزشی کشاورزی را با چالش های جدیدی مواجه ساخته است. از جمله این چالشها چگونگی تلفیق کارآفرینی در برنامه های آموزشی، پژوهشی و خدمات رسانی دانشکده های کشاورزی است.

تحقیقات متعدد نشان می دهد اگر چه تنها افزودن یک دوره نظری در زمینه کارآفرینی به برنامه درس آموزش کشاورزی لازم است. اما کفایت نمی کند. بلکه بایستی چندین موضوع مرتبط با کسب و کار تجاری در کشاورزی را به برنامه های درسی در رشته های کشاورزی اضافه نمود (اسکندری، ۱۳۸۳) در رابطه با اهمیت کارآفرینی در دانشگاه مطالعات زیادی صورت گرفته است. طی دهه ۱۹۸۰ دانشگاه ها بر حسب ویژگیهای گروههای تحت آموزش و نیازهای محلی، منطقه ای و ملی. همزمان با افزایش تعداد دوره های آموزشی در خصوص روند کارآفرینی، برنامه های آموزشی و پژوهشی متعددی را برای سازمانهای خصوصی طراحی و اجرا کرده اند و دولت‌های اروپائی نیز حمایت‌های ویژه ای را از فعالیتهای که باعث تشویق کارآفرینی در جوانان می شود به عمل آورده اند. در سنگاپور دوره های آموزشی متعددی در خصوص کار آفرینی توسط دانشگاه ها و موسسات پلی تکنیک برگزار می شود که شرکت کنندگان توسعه مهارتهایی نظیر کارآفرینی و خلاقیت را مورد توجه قرار می دهند یکی از تکالیف محول به شرکت کنندگان، طرح توسعه یکساله است که از طریق آن مهارتهای کارآفرینانه آموزش داده می شود. دولت فیلیپین نیز در اواخر دهه ۷۰ میلادی در دانشگاههای فیلیپین، موسسه صنایع کوچک را تحت پوشش دانشکده های بازرگانی تاسیس کرد. مسئولیت اصلی این موسسه تحقیق، آموزش و خدمات توسعه صنعتی است (احمد پور داریانی، ۱۳۷۸) کانادا و برخی کشورهای آسیایی نظیر هند و مالزی هم گامهای اساسی در حمایت از فعالیتهای کارآفرینی داشته اند این حمایتها شامل راهنماییهای عملی، مشاوره، اعطای تسهیلات مالی و برگزاری دوره های ویژه در خصوص کارآفرینی در درون دانشگاه ها و یا خارج از دانشگاه ها است (همان منبع) در کشور آلمان جهت بهبود تسهیلات مربوط به یادگیری کارآفرینی در دانشگاه ها دولت آلمان با همکاری بانک توازن آلمان اقدام به ایجاد exist کرسی های دانشگاهی نموده است و تحت مدل آزمایشی شروع به ایجاد کسب و کار های تکنولوژی از طریق دانشگاهی نموده و به بهترین کسب و کارهای تکنولوژی جوایزی اهدا نموده اند. همچنین در اکثر کرسیهای استادی مواد درسی به شکل کارآفرینی، قوانین و تجارت تاسیس شرکتها، سرمایه گذاری و نوآوری ارائه می شوند (سایت کارآفرینی) موسسه «دیده بان جهانی کارآفرینی» در مقاله ای خاطر نشان کرده است که نظام آموزش آمریکا به گونه ای است که از هر ۶ نفر یک نفر کارآفرین می شود در کره جنوبی از هر ۱۲ نفر یک نفر کارفرین می شود در ایران تا شروع برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی توجهی به کارآفرینی نشده است اما در این برنامه به دلیل وجود بیکاری گسترده به ویژه در میان جوانان و دانش آموختگان دانشگاهها و پیش بینی تشدید این معضل در دهه ۱۳۸۰ کارآفرینی مورد توجه قرار گرفت (مقیمی، ۱۳۸۱) امروزه یک پارادایم جدید کارآفرینی در حال ظهور است که توجه دانشگاه ها را به امور زیر جلب می نماید:

- ۱- درگیری مستقیم دانشگاه ها در تجارتي کردن فعالیتهای تحقیقاتی
 - ۲- اتخاذ رهیافتی فعال تر برای توسعه اقتصادی منطقه ای
 - ۳- اتخاذ رهیافتی مبتنی بر توسعه برنامه های درسی که بر حل مساله و تحلیل آماری مبتنی باشد.
 - ۴- تاکید بیشتر بر کاربست اصول مربوط به مدیریت کیفیت در عملیات دانشگاهها (حسینی نسب، ۱۳۸۰)
- رضا شجاعی (۱۳۸۵) در تحقیقی با عنوان «بررسی موانع کارآفرینی و مشکلات راه اندازی کسب و کار در دانشجویان تربیت بدنی دانشگاههای مشهد» به بررسی نگرش ۳ دانشگاه فردوسی، آزاد اسلامی (واحد مشهد) و امام رضا پرداخته و اصلی ترین مانع کارآفرینی دانشجویان را ناتوانی در پذیرش ریسک مالی ذکر می کند بر پایه نتایج تحقیق وی مواردی چون مشکل تامین سرمایه، سیاست های دولت، مشکلات اقتصادی جامعه و نبود اطمینان در بازار کار به عنوان مهمترین مشکلات فرارو در راه اندازی کسب و کار مرتبط با رشته تربیت بدنی محسوب می شوند. «اعظم هادی خامنه ای (۱۳۸۵) در تحقیقی با عنوان «نیاز سنجی و بررسی موانع و راهبردهای توسعه کارآفرینی از دیدگاه دانشجویان مستعد کارآفرینی» تعداد ۴۰۰ دانشجوی سال آخر رشته های مختلف تحصیلی را مورد بررسی قرار داده و عواملی چون وضعیت نامناسب مالی، فقدان مهارتهای مدیریتی و بازاریابی، عدم دانش حقوقی، فنی، مالی، حسابداری، فقدان کمبود سرمایه شخصی، مشکلات دریافت وام و کمبود راهنمایی و مشاوره به عنوان اصلی ترین موانع فرار روی کارآفرینان محسوب می شوند. مریم شریف زاده (۱۳۸۲) در تحقیقی به بررسی نیازهای آموزشی دانشجویان کشاورزی در راستای تقویت روحیه کارآفرینی پرداخته است نتایج تحقیق وی نشان میدهد توفیق طلبی در دانشجویان تیپ های شخصیتی نظم گرا، فکر گرا و حس گرا، قدرت طلبی در تیپ های شخصیتی برونگرا، نظم گرا و فکر گرا، رقابت مندی در تیپ های شخصیتی نظم گرا و

برونگرا و ریسک پذیری در تیپ های شخصیتی شهود گرا، انعطاف پذیر و برونگرا در وضعیت مطلوبتری وجود دارد. و رابطه مستقیم و معکوس بین خصیصه ریسک پذیری و توفیق طلبی وجود دارد. غلامرضا بخشی (۱۳۸۱) نیز در تحقیقی به بررسی موانع کارآفرینی سازمانی در دانشگاه مازندران پرداخته است. بر اساس نتایج بدست آمده از تحقیق وی موانع داخلی مهمترین عامل بازدارنده کارآفرینی سازمانی در دانشگاه مازندران می باشد پس از آن به ترتیب، موانع منتجی و موانع محیطی در این زمینه نقش بازدارنده داشته اند از بین موانع داخلی تصمیمات نامناسب مدیران عالی در انتصاب و بکار گیری مدیران زیر دست، از بین موانع منتجی، موانع فرهنگی - اجتماعی و از بین موانع محیطی، فقدان رقابت، بیشترین نقش بازدارندگی را بر کارآفرینی دانشگاه داشته اند در این تحقیق پیشنهاد شده است تحقیق وسیع تری در مورد سایر دانشگاهها صورت گیرد تا ضمن تعمیم نتایج تحقیقات بتوان از آنها بصورت عملی در سیاستگذاری ها استفاده نمود.

موارد روشها

این تحقیق از نظر ماهیت، از نوع پژوهش های کمی، از نظر درجه کنترل متغیرها و قابلیت تعمیم از نوع تحقیق پیمایشی و از نظر هدف از نوع تحقیقات کاربردی محسوب می شود زیرا هدف محقق دستیابی به اصول و قواعدی است که در موقعیت های واقعی و عملی به کار بسته می شوند و به بهبود روشهای اجرایی کمک می کنند. ابزار تحقیقی حاضر پرسشنامه می باشد برای حصول اطمینان از پایایی پرسشنامه مورد استفاده از آزمون الفای کرباخ بهره گرفته شده است که پارامتر الفای (a) برای موانع کارآفرینی برای یک جامعه ۳۰ نفری از دانشجویان ۰/۸۸ بود که نشان دهنده مناسب بودن پایایی پرسشنامه مورد استفاده است و برای اطمینان از روایی یا اعتبار محتوایی پرسشنامه از روش نظر سنجی اساتید و صاحب نظران استفاده گردید. جامعه آماری این تحقیق شامل دانشجویان کارشناسی دانشکده کشاورزی جیرفت وابسته به دانشگاه شهید باهنر که دو ترم تحصیلی را گذرانده می باشند ($N=206$) حجم نمونه با توجه به جدول Krejcie & Morgan ۱۳۶ نفر انتخاب گردیدند. پرسشنامه ها بر اساس روش نمونه گیری تصادفی تکمیل شد و پردازش داده های تحقیق با استفاده از نرم افزار SPSS 12 صورت گرفت که در تحلیل داده ها و ارائه یافته ها از روش تحلیل عاملی از نوع اکتشافی برای دسته بندی و تبیین و تشریح موانع مورد بررسی و استخراج سازه های زیر بنایی بهره گرفته شده است.

نتایج

پس از مرور کتابخانه ای و اینترنتی اسناد و منابع مربوط و نیز مصاحبه و گفتگو با تعدادی از دانشجویان و صاحب نظران متغیرها شناسایی شده و در پرسشنامه ای با عنوان موانع موجود در زمینه کارآفرینی از دیدگاه دانشجویان کشاورزی فهرست و از پاسخگویان خواسته شد تا اهمیت آنها را ارزیابی کنند و امتیازی بین ۰ تا ۱۰ به آنها اختصاص دهند. پس از گردآوری و ورود داده ها به رایانه با کمک نرم افزار SPSS 12 برای تحلیل داده ها از روش تحلیل عاملی اکتشافی به عنوان روش تحلیل چند متغیره و روش هم وابسته برای تحلیل داده های جمع آوری شده بهره گرفته شده است. محاسبات آماری اولیه بیانگر مناسب بودن داده ها برای تحلیل عاملی بود ($KMO=0/72$) آزمون بار تلت نیز در سطح یک درصد معنی دار شد اندازه KMO و نتایج آزمون بار تلت برای ماتریس همبستگی داده ها در جدول (۱) نمایش داده شده است که حاکی از مناسب بودن متغیرهای وارد شده برای تحلیل است.

جدول (۱): مقدار KMO و آزمون بار تلت و سطح معنی داری

| KMO | بار تلت | سطح معنی داری |
|-------|----------|---------------|
| ۰/۷۲ | ۲۱۴۴/۶۱۸ | ۰/۰۰۰ |

برای تعیین تعداد عوامل بر اساس ملاک گیسر عمل شد بر اساس این ملاک تنها عواملی مورد پذیرش قرار می گیرند که مقدار ویژه آنها بزرگتر از یک باشد بر این اساس تعداد ۴ عامل که مقدار ویژه آنها بزرگتر از عدد یک بود استخراج گردید عامل اول با نام (ساختاری، زیر بنایی) با مقدار ویژه ۳/۱۲ به تنهایی ۲۴/۳۱٪ واریانس کل است عامل دوم با عنوان (آموزشی) با مقدار ویژه

۲/۴۷ تبیین کننده ۱۷/۲۶٪ عامل سوم با عنوان (مشوقها) با مقدار ویژه ۱/۸۶ تبیین کننده ۱۳/۱۶٪ و عامل چهارم با عنوان (انگیزش) با مقدار ویژه ۱/۵۸ تبیین کننده ۱۱/۱۲٪ واریانس کل هستند به طور کلی چهار عامل یاد شده در مجموع ۶۵/۸۵٪ کل واریانس را تبیین می کنند.

جدول (۲): تعداد عوامل استخراج شده همراه با مقدار ویژه، درصد واریانس و فراوانی تجمعی درصد واریانس آنها

| ردیف | مقدار ویژه | درصد واریانس مقدار ویژه | فراوانی تجمعی درصد واریانس |
|------|------------|-------------------------|----------------------------|
| ۱ | ۳/۱۲ | ۲۴/۳۱ | ۲۴/۳۱ |
| ۲ | ۲/۴۷ | ۱۷/۲۶ | ۴۱/۵۷ |
| ۳ | ۱/۸۶ | ۱۳/۱۶ | ۵۴/۷۳ |
| ۴ | ۱/۵۸ | ۱۱/۱۲ | ۶۵/۸۵ |

وضعیت قرار گیری متغیرها در عوامل با فرض شدن متغیرهای با بار عاملی بزرگتر از ۰/۵ بعد از چرخش عاملها به روش وریماکس و نامگذاری عاملها به شرح جدول (۳) است.

جدول ۳- متغیرهای مربوط به هر یک از عوامل، میزان ضرایب بدست آمده از ماتریس دوران یافته

| عامل | بار عاملی | متغیر |
|---------|-----------|--|
| ساختاری | ۰/۶۶ | امنیت سرمایه گذاری در بخش کشاورزی |
| | ۰/۶۲ | وجود تکنولوژی مناسب در بخش کشاورزی |
| | ۰/۵۹ | حمایت دولت از کارآفرینان در بخش کشاورزی |
| | ۰/۶۳ | محدودیت سرمایه برای فعالیت در بخش کشاورزی |
| | ۰/۶۰ | ساختار دولتی اقتصاد کشور |
| | ۰/۵۶ | تعادل بین عرضه و تقاضای نیروی کار در بخش کشاورزی |
| آموزشی | ۰/۵۸ | شبکه سازی ضعیف بین کار آفرینان، دانشگاهیان و سرمایه گذاران |
| | ۰/۶۸ | ارائه دروس کاربردی در زمینه کشاورزی |
| | ۰/۶۱ | برگزاری دوره های مختلف کارآفرینی برای مدرسان و دانشجویان |
| | ۰/۶۵ | استفاده از اساتید مجرب و کارآفرین |
| | ۰/۶۲ | مجهر کردن آزمایشگاه ها و کارگاهها به تجهیزات |
| | ۰/۵۷ | گذراندن دروس مربوط به کار آفرینی بر ای تمامی رشته های کشاورزی |
| | ۰/۵۶ | تاکید بر کیفیت آموزشی بجای کمیت |
| | ۰/۶۳ | اندک بودن منابع آموزشی |
| | ۰/۵۴ | ترویج کارگروهی و اشتراک مساعی در زمینه کشاورزی |
| | ۰/۶۱ | ارائه خدمات مشاوره تخصصی به بخش کشاورزی |
| مشوقها | ۰/۶۴ | تشویق و حمایت از طرحهای خلاقانه دانشجویان |
| | ۰/۵۹ | کشف و معرفی منابع و راههای نوین تولید ارزش افزوده در بخش کشاورزی |
| | ۰/۶۸ | تشویق بخش خصوصی به سرمایه گذاری در بخش کشاورزی |
| | ۰/۶۵ | ایجاد مراکز رشد و کارآفرینی در دانشگاه ها |
| | ۰/۶۴ | دیدگاه دانشجویان نسبت به کار صنعتی |
| | ۰/۶۱ | دیدگاه دانشجویان نسبت به کار کشاورزی |
| | ۰/۶۰ | دیدگاه دانشجویان نسبت به فرهنگ روستایی |
| انگیزش | ۰/۶۰ | دیدگاه دانشجویان نسبت به فرهنگ روستایی |
| | ۰/۵۸ | بیکاری دانش آموختگان بخش کشاورزی |

بحث ونتیجه گیری

دانشگاه بسان یک نهاد اجتماعی در قبال توسعه ملی متعهد می باشد و این تعهد در پرتو نقش آفرینی پویا بر پایه کار کردهای مورد انتظار به انجام می رسد. همچنین نهاد دانشگاه بسان یک سامانه باز از رابطه دیالکتیکی پویا و متعادل با محیط پیرامونی و بر نظام های محاط، نهادها و نظام های همکار برخوردار است. دانشگاه های پویا در قرن بیست و یکم، دانشگاههایی هستند که کار آفرین بوده و بتوانند ارزش های تخصصی و مدیریتی را بهروراند و تلفیق نمایند (شریف زاده و همکاران، ۱۳۸۶) همچنین با ترویج فرهنگ کار آفرینی در دانشجویان و آموزش مهارتهای کار آفرینی به آنان و با ایجاد بانک ایده ها و مسائل واقعی، فراهم کردن بانک اطلاعاتی کار آفرینی و سرمایه گذاری، زمینه لازم را برای شروع کار آفرینی توسط دانشجویان فراهم کند. هورنادی (Hornadoy) و تایکن (Tieken) در بررسی خود دریافته اند که بسیاری از کار آفرینان موفق احساس می کنند که بیش از نسل جوان کنونی، تحصیلات اهمیت کمتری برای کار آفرینان داشته است با وجود این اکنون به علت رشد بالای فن آوری و رقابت تنگاتنگ، آموزش اهمیت ویژه ای پیدا کرده است و سپر (Vesper) نیز در خصوص تحصیلات معتقد است کار آفرینانی که احتمال شکستشان بیشتر است کسانی هستند که تجربه دارند اما تحصیلات ندارند (حیدری، ۱۳۸۳) بی تردید نظام آموزشی کشاورزی باید بر اساس نیازهای بخش کشاورزی و با توجه به پیش با یستهای موجود نسبت به پرورش فرهیختگان کشاورزی اقدام نماید تا بتواند صلاحیهای لازم جهت اشتغال بکار دانش آموختگان این بخش را در آنها تقویت نماید. بررسی سابقه شغلی و انگیزه ها و پتانسیل های فرد در بدو ورود به رشته کشاورزی و پس از فارغ التحصیلی چشم اندازی برای بررسی کارایی و تاثیر گذاری متقابل جامعه و فارغ التحصیلان بر هم می باشد. در حال حاضر تعداد بی شماری از فارغ التحصیلان کشاورزی که از دانشگاه های دولتی، آزاد اسلامی و مراکز آموزشی کشاورزی به تنها امید خود (دستگاه های دولتی) مراجعه می نمایند با منع قانونی استخدام مواجهه شده و به خیل عظیم بیکاران پیوسته اند. این تحولات بخش کشاورزی ایران را با بسیاری از چالش ها، فرصت ها و تهدیدها مواجه کرده است قطعاً یک اقدام جدی برای مقابله با این چالش ها، توسعه آموزش کار آفرینی است حال سؤال اساسی این است که آیا دانشکده های کشاورزی با وجود هنجارهای موجود در جریان فکری حاکم بر آنها، می توانند چنین برنامه ای را پیاده کنند یا خیر. طبق یافته های تحقیق چهار عامل «ساختاری و زیر بنایی»، «آموزشی»، «مشوقها» و «انگیزش» به عنوان مهمترین موانع موجود در زمینه کار آفرینی از دید دانشجویان معرفی گردید که این چهار عامل حدود ۶۶٪ از واریانس بین عوامل را تبیین می کردند از بین عوامل یاد شده عامل ساختاری و زیر بنایی بیشترین درصد واریانس بین عوامل را تبیین می کرد که بر این اساس بازنگری و ایجاد تحول در زمینه سیاستگذاریها در بخش کشاورزی، توجه بیشتری به بخش کشاورزی، حمایت دولت از کار آفرینان کشاورزی و موازنه در این بخش به عنوان یکی از ارکان اقتصاد کشور لازم می باشد عامل مهم دیگر آموزش می باشد بر این اساس کار آفرین هم مثل هر خصوصیت دیگری قابل آموزش است و یا حداقل می توان گفت که آموزش بر آن تاثیر دارد. در حقیقت بستر سازی برای تربیت و پرورش کار آفرینان می بایست از دبستان آغاز شده و تا دانشگاه ادامه یابد و هر گونه اختلال و انقطاع در این فرآیند می تواند به کل آن ضربه وارد کند متأسفانه همخوانی نداشتن درسهای دانشگاهی کشاورزی با نیازهای جامعه، عدم توجه به آموزشهای عملی و تجربی، عدم استفاده از اساتید مجرب و کارآموده مجهز نبودن آزمایشگاه ها و کارگاه ها به تجهیزات و... سبب شده است که دانش آموختگان این بخش از تخصص و کارایی لازم جهت ورود به بازار کار برخوردار نباشند و نهایتاً چنین فردی نمی تواند کار آفرین باشد. یک راه جهت کمک به کشاورز و کشاورزی در طی کردن فرآیند مذکور این است که موسسات آموزش عالی کشاورزی مفهوم کار آفرینی را در برنامه های آموزشی، تحقیقی و ترویجی خود به طور عملیاتی نهادینه نمایند پیر دراکر معتقد است که کار آفرینی قابل یادهی و آموزش است (Drucker، ۱۹۸۵) همچنین اکثر مطالعات تجربی و زمینه یابی نشان داده اند که: با استفاده از آموزش کار آفرینی می توان کار آفرینی را تعلیم داد و یا حداقل ترغیب نمود و سؤال مناسب تری را که می توان در زمینه آموزش کار آفرینی مطرح ساخت این است که: چه چیز باید آموزش داده شود و چگونه؟ (Kuratko، ۲۰۰۴&۲۰۰۳)

در سال ۱۹۹۷ دکتر «جیف هیوارد» از دانشگاه اکسفورد پژوهشی را در خصوص علاقه ی دانشجویان به روشهای آموزش کار آفرینی در دانشگاه های اسکاتلند انجام داد و دریافت که دوره های کار آفرینی، نه تنها دانش و مهارت را در دانشجویان افزایش می دهد بلکه دانشجویان به آن دید مثبتی دارند و همچنین، نوعی آگاهی را در خصوص مسائلی که دانشجویان در رابطه با آنها

اطلاعاتی ندارند، ایجاد و آنها را در جهت کسب اطلاعات بیشتر تشویق می کند با توجه به نتایج بدست آمده از این پژوهش می توان پیشنهاد های ذیل را در ارتباط با کار آفرینی دانشجویان کشاورزی ارائه نمود:

-- هسته های کار آفرینی در دانشکده های کشاورزی ایجاد و به عنوان مراکز اثر گذار در توسعه توانمندی دانشجویان کشاورزی مورد حمایت قرار گیرند.

--- تشویق تفکر نقادانه در دانشکده های کشاورزی باعث تقویت روحیه کارآفرینی می شود در این میان اساتید و مدرسین نقش مهمی در پرورش، رشد و بالندگی این تفکر دارند زیرا با چنین تفکری است که دانشجو فرصت اظهار نظر و خود نمایی می یابد. آگاه سازی و درگیر کردن دانشجویان با نیاز ها و مسایل کاری رشته های تخصصی آنان تاثیر زیادی در بارور شدن استعداد ها، تقویت اعتماد به نفس، خودباوری و دور اندیشی آنها دارد.

--- بی تردید بهبود فعالیت های آموزش کشاورزی با اتکا به فعالیت های تحقیقاتی و ارتباط با بخشهای خصوصی و صنعتی میسر است در این راستا همکاریهای فنی و تخصصی و تبادل اطلاعات و امکانات آزمایشگاهی بین دستگاه های مسئول کشاورزی و دستگاه های آموزشی الزامی و نقش تعیین کننده در فرایند اشتغال زایی مفید و مولد از طریق ایجاد پارکهای علمی و تحقیقاتی خواهد داشت.

--- تمرکز و هدایت نیروی متخصص و کار آفرین کشاورزی به فعالیتهای نوین بخش کشاورزی با هدایت و بهره گیری از سیاستهای حمایتی دولت

--- مرکزی تخصصی برای حمایت از طرح های کارآفرینانه دانشجویان کشاورزی با مشارکت سازمانهای ذیربط ایجاد گردد.

---- واحد درسی کارآفرینی ویژه دانشجویان کشاورزی به عنوان یک واحد اجباری برای دانشجویان کشاورزی بر مبنای یک سرفصل مشخص و از پیش تعیین شده ارائه گردد و نظارت مستمر در زمینه نحوه اجرای آن صورت گیرد.

--- حمایتهای مالی، اطلاعاتی و مشاوره ای مناسب در جهت انجام فعالیتهای کار آفرینی دانشجویان.

--- مسئولین دانشکده های کشاورزی بایستی در دانشجویان کشاورزی ضمن مطالعه مشوق های تاثیر گذار از آنها جهت افزایش انگیزه کار آفرینی استفاده نمایند.

--- تغییر در برنامه های درسی و روشهای آموزشی موجود در زمینه کشاورزی

منابع

- ۱- اسکندری، فرزاد (۱۳۸۳) «بررسی و تبیین راهکارهای توسعه کارآفرینی در نظام آموزش عالی کشاورزی ایران» رساله دکتری در رشته ترویج و آموزش کشاورزی، دانشگاه تهران
- ۲- شریف زاده، ابوالقاسم و همکاران (۱۳۸۶) نهادینه سازی سیستمی کارکرد دانشگاهها در فرایند توسعه کارآفرینی در سطح جامعه، ماهنامه اطلاعات سیاسی - اقتصادی سال بیست و یکم شماره ۲۴۰-۲۳۹
- ۳- احمد پور داریانی، محمود و دیگران (۱۳۷۸) پروژه بررسی تجارت موفق، سیاستها و برنامه ها و اقدامات ده کشور جهان در زمینه توسعه و ترویج کارآفرینی
- ۴- مقیمی، فضل الله (۱۳۸۱) کارآفرینی، سنجش و پژوهش، گاهنامه مرکز مطالعات سازمان سنجش و آموزش کشور، شماره سوم
- ۵- حیدری، احمد (۱۳۸۳) کارآفرینی دانشگاهها و موسسات آموزش عالی، ماهنامه اطلاعات سیاسی - اقتصادی سال بیست و یکم شماره ۲۰۴-۲۰۳
- ۶- حسینی نسب، ابراهیم (۱۳۸۰) پیش بینی تقاضای نیروی انسانی متخصص دارای درآمد آموزش عالی بر اساس اهداف رشد برنامه سوم ایران، تهران، موسسه پژوهش و برنامه ریزی آموزش عالی
- ۷- بخشی، غلامرضا (۱۳۸۱) بررسی موانع کارآفرینی سازمانی در دانشگاه مازندران، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم اداری و مدیریت، دانشگاه مازندران

- ۸- شریف زاده، مریم (۱۳۸۲) بررسی نیازهای آموزشی دانشجویان کشاورزی در راستای تقویت روحیه کارآفرینی، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشکده کشاورزی، دانشگاه شیراز
- ۹- سرمد، زهره و همکاران (۱۳۸۰) روشهای تحقیق در علوم رفتاری. انتشارت پگاه.

10 - Krejcie, R.V & D.W. Morgan. (1970) Determining sample size for research activities. Educational AND PSYCHOLOGICAL Measurement. 30, P.608.

11 - /ARTICLE.ASP WWW.KARAFARING.COM

Archive of SID